



اگر از شما بپرسند «راز موفقیت در کسب درآمد چیست» چه جوابی دارید؟ مخاطب این سوال را کسی فرض کنید که دانش و تخصصی دارد یا قرار است بزودی داشته باشد. شاید هنری دارد، شاید هم به فن یا علم بخصوصی مجهز است. یک کاردان یا کارشناس را در نظر بگیرید. مثلا برای یک مهندس راز پول درآوردن شرافتمندانه چیست؟

اگر از شما بپرسند «راز موفقیت در کسب درآمد چیست» چه جوابی دارید؟ البته شاید برای این سوال به تعداد آدم‌های روی کره زمین جواب وجود داشته باشد. معیارها و شرایط «پول درآوردن» هم تعیین کننده هستند. پس اجازه بدهید سوال را کمی دقیق تر بپرسیم. اگر شرایط خاصی مانند شانس و اقبال، پارتی بازی، رانت، ارث خانوادگی و سرمایه مالی اولیه را از معادله کم کنیم، آیا می‌توانیم بپرسیم «رمز موفقیت در کسب درآمد از طریق تلاش شخصی چیست»؟ ولی هنوز این سوال دقیق نیست. مخاطب این سوال را کسی فرض کنید که دانش و تخصصی دارد یا قرار است بزودی داشته باشد. شاید هنری دارد، شاید هم به فن یا علم بخصوصی مجهز است. یک کاردان یا کارشناس را در نظر بگیرید. مثلا برای یک مهندس راز پول درآوردن شرافتمندانه چیست؟

### مهارت: سرمایه‌ای گران‌بها

از میان همه پاسخ‌هایی که به این پرسش می‌شود داد، یک پاسخ موضوع مورد علاقه بسیاری از کارشناسان در بازار کار و کاریابی است: «مهارت». کارفرمایان همیشه از روبرو شدن با آن‌دسته از جویندگان کار که هیچ مهارتی ندارند می‌نالند. از نظر کارفرمایان این جویندگان «تقریبا بی‌سواد» هستند در حالی که خود آنان چنین برداشتی ندارد. تجربه نشان داده که بسیاری از مردم، بخصوص فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاه‌ها، درباره معنی و مفهوم «مهارت» دچار تردید هستند. این تردید تا آن‌جاست که بعضی از افراد هیچوقت در زندگی خود پی به اهمیت این موضوع نمی‌برند. تصور می‌کنند مدرک دانشگاهی که کسب کرده‌اند همان مهارتشان است اما واقعیت این است که بی‌مهارت به دنیا آمده‌اند و بی‌مهارت هم از دنیا می‌روند. کسانی که ابهام کمتری دارند، کسب مهارت را تا پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به تعویق می‌اندازند یا در نیمه زندگی و پس از ناکامی‌های متعدد در بازار کار سراغش می‌روند. اما آن‌ها که باهوش هستند، کسب مهارت را حتی پیش از ورود به دانشگاه می‌آموزند. اینان به اهمیت سرمایه گران‌بهایی که دارند آگاهند و از قضا در بازار کار هم موفق‌ترین‌اند.

**«دانش» فراتر از «درس» است. وقت صحبت از کسب «مهارت» است، منظور از «دانش» همان «آگاهی» است. ممکن است دانش آموز یا دانشجویی در درس خواندن خیلی وارد باشد اما از این بابت «آگاهی» کسب نکند. بدون «آگاهی» در هیچ فن و هنری «مسلط» و «ماهر» نخواهیم بود.**

**مهارت چیست؟**

آیا درسی که می‌خوانیم همان مهارت است؟ خیر. مهارت عبارت از تسلط فنی یا هنری بر انجام مجموعه‌ای از

فعالیت‌های کاری که مستلزم «دانش» و «تجربه»، هر دو، است. به این ترتیب، «دانش» فقط بخشی از «مهارت» است و «تجربه» نیمه دیگر و تکمیل کننده «دانش» است. اما آیا «درس» همان «دانش» است؟ خیر. دانش فراتر از درس است. منظور از دانش در اینجا «آگاهی» است. ممکن است دانش آموز یا دانشجویی در درس خواندن خیلی وارد باشد اما از این بابت «آگاهی» کسب نکند. چطور چنین چیزی ممکن است؟ ذکر یک تشبیه می‌تواند در درک این موضوع کمک کند.

تحقیقات علمی فروانی در کشورهای صنعتی انجام شده که هم ثابت می‌کند و هم توضیح می‌دهد که چطور منشی جلسات دادگاه‌ها که در حال نوشتن یا تایپ همزمان مکالمات بین طرفین هستند، بدون اینکه چیزی از معنا و مفهوم این مکالمات در ذهنشان بماند، این کار را با دقت انجام می‌دهند. ضرورت شغل آنان ایجاب می‌کند که ذهنشان را درگیر درک مفاهیمی فراتر از تک جمله‌ها نکنند و فقط حواسشان این باشد که هیچ جمله‌ای را جا نیاندازند و با دقت بنویسند. اگر آنان زمانی را (حتی در حد ثانیه) صرف پیوند زدن معنای جمله‌ها به یکدیگر و فکر کردن به معنای کلی مکالمات کنند، دیگر از کارشان جا می‌مانند.

مشکلی که برای بسیاری از دانش آموزان و دانشجویان هنگام تحصیل پیش می‌آید مشابه مشکل منشیان دادگاه‌هاست. آنان چنان درگیر مشق نوشتن و تحویل تکالیف و شرکت در امتحانات می‌شوند که ذهنشان مجال کمی پیدا می‌کند معانی و خرده مفاهیمی را که آموخته‌اند را پیوند بزنند و به آگاهی تبدیل کنند.

## مطلب پیشنهادی



مهارت‌های روز دنیای فناوری  
۱۰ مهارتی که باعث استخدام و افزایش حقوق می‌شوند!

## چه کسی مهارت را به ما می‌آموزد؟

آیا صرفاً درس خواندن در دبیرستان یا در دانشگاه ما را با مهارت می‌کند؟ خیر. آیا تقصیر دانشگاه است که فارغ‌التحصیلان را با مهارت نمی‌کند؟ این سوال جای بحث دارد. نظر شخصی من این است که خیر، فرهنگ آموزشی جامعه و نه صرفاً دانشگاه‌ها مسئول ترویج «مهارت آموزی» است. اما نیازی نیست شما منتظر مسئول و مقصر بمانید. هر زمان که اراده کنید می‌توانید کسب مهارت را شروع کنید و گامی بزرگ در راه موفقیت شغلی خود بردارید. بعضی افراد خودشان را گول می‌زنند و مسئولیت کسب مهارت را گردن دانشگاه می‌اندازند. امیدوارم شما جزو این دسته نباشید. خودتان مسوولیت موفقیت‌تان را به دوش بگیرید.

## مهارت در صنعت آی تی

بازار کار مشاغل حرفه‌ای مرتبط با صنعت کامپیوتر و اطلاعات بازار بزرگ و پررونقی است. این بازار نیز مانند سایر حوزه‌های

«مهارت محور» تشنه متخصصانی است که در دو سه زمینه خاص مهارتی دارند. اما با سایر جویندگان کار برخورد خوبی ندارد. شاید بشود گفت بازارکار صنعت آی تی حد وسط ندارد. یا شما در صف بیکاران قرار می‌گیرید یا جزو کسانی هستید که به محض اینکه اراده کنید، بازار کار جذب‌تان می‌کند. گروه دوم حتماً مهارتی دارند و فقط در حوزه مهارت خود دنبال کار می‌گردند. این افراد به طور پیوسته در حال مطالعه و فراگرفتن تازه‌های فناوری در حوزه تخصصی و مهارتی خود هستند تا مزیت رقابتی‌شان را در بازارکار حفظ کنند.

## طیف مهارت‌ها در این صنعت بسیار گسترده است. مثال‌هایی از این مهارت‌ها چنین‌اند:

- مهندسان شبکه‌ای که با برندهای معروف مثل سیسکو یا هواوی آشنا هستند
- متخصصان دیتابیس اوراکل یا یک دیتابیس معروف دیگر
- برنامه‌نویسان وب که به یک زبان خاص مثل پی‌اچ‌پی یا سی‌شارپ مسلط هستند
- طراحان وب سایت که به یک سیستم مدیریت محتوا مانند وردپرس مسلط‌اند
- کارشناسان علوم کامپیوتر که به علم داده‌کاوی چیره‌اند
- کارشناسان مسلط به دیتابیس‌های NoSQL

- متخصصان بازاریابی اینترنتی که به ابزارهای تجزیه و تحلیل آمار اینترنتی مسلطاند
  - طراحان سیستم‌های کامپیوتر که می‌توانند در طراحی سخت افزارهایی مانند رزبری پای یا دستگاه کارت‌خوان بانکی و ده‌ها وسیله کامپیوتری دیگر مشارکت کنند
  - مهندسان شبکه‌ای که در برپا کردن سیستم‌های هاستینگ و دیتا سنتر تخصص و تجربه دارند
  - متخصصان فناوری اطلاعات که در کار با سیستم‌های کلاود خیره‌اند
- همه این افراد به مهارت خاصی مسلط هستند و همگی در بازار کار طرفدار دارند.

## مطلب پیشنهادی



پدرآمدترین مشاغل فناوری اطلاعات را بشناسید  
10 شغل پردرآمد حوزه فناوری اطلاعات در سال 2018

**هر زمان که اراده کنید می‌توانید کسب مهارت را شروع کنید و گامی بزرگ در راه موفقیت شغلی خود بردارید. بعضی افراد خودشان را گول می‌زنند و مسئولیت کسب مهارت را گردن دانشگاه می‌اندازند.**  
**نگاه بازار کار به مهارت**

به تجربه ثابت شده است که بازار کار آدم‌ها را به طور غیرمحسوس به سه گروه تقسیم می‌کند و با هر گروه از جویندگان کار رفتار متفاوتی دارد:

- افراد شغل گرا: آدم‌هایی که در سرتاسر زندگی مهارتی ندارند ولی مدرک تحصیلی دارند یا ندارند.
- افراد پیشه ور: کسانی که مهارتی دارند و مدرک تحصیلی دارند یا ندارند.
- کسانی که سرانجام در مقطعی از زندگی خود تصمیم می‌گیرند مهارتی پیدا کنند، با ارتباط یا بی ارتباط با رشته تحصیلی‌شان.

افراد گروه اول کسانی هستند که من تعبیر «آویزان شدن به شغل» را برایشان به کار می‌برم. کسی که آویزان چیزی می‌شود نقطه ضعفی دارد. اگر نقطه اتکای او را خراب کنید - مثلاً کارش را از او بگیرید - در زندگی دچار بحران عمیقی می‌شود. این افراد هویتشان را با شغلشان - و نه با دانش و مهارتشان - تعریف می‌کنند. داشتن یا نداشتن مدرک تحصیلی تفاوت محسوس و معنی داری در «شغل گرایی» ایجاد نمی‌کند. در هر صورت انسان آویزان مانند ریسمان است و از پاره شدن آن بیمناک. این افراد مشتریان اصلی آگهی‌های استخدامی هستند و وقتی کارشان را از دست می‌دهند در صف نخست اعتراض و اعتصاب هستند.

افراد گروه دوم کسانی هستند که بنگاه‌های کاریابی در به در آن‌ها را جستجو می‌کنند. بعضی کارشناسان کاریابی این گروه از آدم‌ها را به گوهرهای کمیاب تشبیه می‌کنند. معمولاً شرکت‌ها دنبال این افراد هستند و اصطلاحاً «آنها را روی هوا می‌زنند»، یعنی زود شکارشان می‌کنند. این افراد هیچ وقت بی‌شغل باقی نمی‌مانند، حتی یک ماه هم بیکار نیستند. اصلاً بازار کار به آن‌ها امان نمی‌دهد بیکار بمانند. تا بیکار شوند فوراً توسط کارفرمای بعدی شکار می‌شوند. حتی بعضی از بنگاه‌های کاریابی در کشف کارمندان ماهری که «در آستانه استعفا از شغلی فعلی» هستند، شامه‌های بسیار قوی دارند. البته افراد گروه دوم خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. کسانی که مدرک تحصیلی مرتبط با مهارتشان دارند «افراد طلایی» هستند و درآمدشان از همه بالاتر است. آن‌ها که مدرک تحصیلی متناسب با مهارتشان ندارند «کاردان‌های نقره‌ای» هستند و درآمد کمتری دارند.

افراد گروه سوم را باید «کارشناسان برنزی» نامید. این گروه سرانجام در مقطعی از زندگی خود به اهمیت و راز موفقیت در «بازی مهارت» پی می‌برند. متوجه می‌شوند که تا پیش از این، از زندگی «بازی خورده‌اند» و «بازیچه بازار کار» شده بودند. اما خوشحال‌اند که سرانجام افسار زندگی‌شان را به دست گرفته‌اند.



مهارت‌ها تغییر پیدا می‌کنند  
برای موفقیت در انقلاب صنعتی چهارم به این ده مهارت نیاز دارید

### پیشهور باشید نه شاغل

شما جزو کدام گروه هستید؟ اگر جزو گروه دوم هستید و مهارتی دارید، «پیش‌ور» هستید و یک «حرفه» دارید. خوشحالیم که راز موفقیت شرافتمندانه در بازار کار را یافته‌اید. اگر جزو گروه سوم هستید، به شما تبریک می‌گوییم. بالاخره لم این «بازی» زندگی را هم آموختید. کاش زودتر می‌دانستید. اما ایرادی ندارد. ماهی را هر وقت از آب بگیرید، تازه است. از این پس زندگی شغلی شما در مسیر دلخواهتان قرار خواهد گرفت. اما اگر احیاناً در گروه اول قرار دارید، هنوز گوهر وجودتان را کشف نکرده‌اید. هنوز از بازار کار مدال نگرفته‌اید. شاید به این «بازی» باور ندارید.

شاید هم به «شغل»ی که دارید قانع‌اید. امیدواریم حداقل برای کسب مدال برنز تلاش کنید و برایتان آرزوی موفقیت داریم. حتماً ماهنامه شبکه را در ماه‌های آینده دنبال کنید تا درباره اهمیت کسب «مهارت» در زندگی یک کارشناس بیشتر بدانید.

### تاریخ انتشار:

02 فروردین 1397

### نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/computer-science/11883/%DA%A9%D8%B3%D8%A8-%D9%85%D9%87%D9%80%D8%A7%D8%B1%D8%AA%D8%9B-%D8%B1%D8%A7%D8%B2-%D9%BE%D9%88%D9%84-%D8%AF%D8%B1%D8%A2%D9%88%D8%B1%D8%AF%D9%86-%D8%B4%D8%B1%D8%A7%D9%81%D8%AA%D9%85%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86%D9%8>